

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری
همبورگ - جرمنی
تنظیم و ویرایش: پورتال

بهارِ خون

مخمس بر سروده استاد خلیلی فقید

وطن قربان دشت و دامن و فصل بهارانت
کجا شد ابر و باران و فضای باغ و بستانت
خدا میداند و جان من و شبهای هجرانت
وطن آمد بهار اما نینم گل به دامانت
نیاید نغمه شادی ز مرغان غزلخوانت
الهی در بگیرد جسم و جان دشمن جانت
چه سان بینم به کاپیسا و لغمان و بدخشانت
به جای لاله روید داغ از طرف بیابانت
کدامین نامسلمانی ترا خونین جگر کرده
ترا افسانه تاریخ دنیا و بشر کرده
الا ای مادر میهن سر و جانم به قربانت
به جای موج، خون میجوشد از انهار خدانت
مگر وقت سحر بگذشته از خاک شهیدانت
به نام نامیت افغان ستانم فخر میباید
چنان میگردد آخر تا خدا هرچه بفرماید
تو قلب آسیا بودی ترا خواری نمیشاید
چه شد کز پرتو خورشید بوی مرگ می آید
یقین دارم که تابیده به شهرستان ویرانت

صدای راکت و توپ است و فریادِ عزاداران کرا گویم ز حالِ {ناظم} آواره و حیران
چه شد قمری چه شد بلبل چه شد کوکو چه شد الحان غریوِ شیر می آید به جای نغمهٔ مرغان
مگر آتش زده صیاد ظالم در نیستانت